

بررسی رابطه سرمایه اقتصادی فرهنگی والدین دانش‌آموزان با احتمال قبولی آنها در آزمون سراسری سال تحصیلی ۱۳۸۵

ابراهیم خدایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۸/۲۵

چکیده

تحلیل تاثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی والدین و پیشینه تحصیلی بر موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به آموزش عالی هدف اصلی این بررسی را تشکیل می‌دهد. در این مقاله عوامل موثر در احتمال قبولی داوطلبان از منظر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی والدین، در آزمون سراسری سال تحصیلی ۱۳۸۵، مورد بررسی قرار گرفته و مدل‌های نظری موجود در این زمینه با کمک اطلاعات در دسترس از داوطلبان آزمون سراسری مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی در آزمون سراسری سال تحصیلی ۱۳۸۵ و روش آماری به کار رفته جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نوع داده‌ها رگرسیون لجستیک بوده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین احتمال قبولی داوطلبان را افزایش می‌دهد. ذکر این نکته ضروری است که این تحقیق از اطلاعات تمامی داوطلبان راهیابی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به صورت سرشماری (نه نمونه‌گیری) جهت پژوهش استفاده نموده است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، آموزش عالی، تحصیلات و شغل والدین، آزمون سراسری.

مقدمه

ظرفیتهای مطلوب آموزش عالی طی ده سال اخیر تقریباً ثابت مانده است و افزایش ظرفیتهای بیشتر در دوره های پیام نور و غیر انتفاعی اتفاق افتاده که از نظر داوطلبان دوره های پر مطلوب نبوده است. از طرف دیگر، علی رغم افزایش ظرفیتهای دوره های مورد اشاره تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی کاهش نیافته است. به عنوان مثال، تعداد شرکت کنندگان در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ برابر ۱۳۴/۳۳۹/۱ و در سال ۱۳۸۷ برابر ۱/۵۰۶/۰۰۰ بوده و ظرفیتهای دوره روزانه دانشگاهها طی ده سال گذشته تقریباً ثابت و به طور متوسط حدود ۸۰/۰۰۰ نفر بوده است. بنابراین داوطلبان برای ورود به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی جهت ورود به مقطع بالاتر مخصوصاً دوره های روزانه رقابت بسیار فشرده ای دارند و طبیعتاً بررسی عوامل و متغیرهایی که بر روی احتمال قبولی موثر هستند اهمیت زیادی پیدا می کند. با توجه به اینکه یکی از ارکان اساسی توسعه در هر جامعه موفقیت در تحصیل علم و زمینه های شغلی گوناگون و ایجاد فرصت های یکسان برای دستیابی همه افراد جامعه به این منابع می باشد و جوامع مختلف و به ویژه جوامع در حال توسعه در این راستا با موانعی جدی روبرو هستند و سهم افراد از این موفقیتها، به ویژه به نسبت جایگاه طبقاتی شان، با یکدیگر متفاوت است. به همین منظور، بررسی ها و تحقیقاتی در جهت شناخت موانع و راه حل های ممکن ضروری می نماید. مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر حاکی از تأثیر زمینه های اجتماعی و خانوادگی بر عملکرد تحصیلی فرزندان بوده است و این زمینه ها از این طریق در انتخاب شغل، درآمد و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بعدی آنها و نسل بعدی آنها بازتاب پیدا می کند (کلمن، ۱۹۸۸). جستجو برای یافتن عوامل موثر برکنش انسانی جامعه شناسان را به طرح مفاهیم جدیدی در این زمینه سوق داده است. مفهوم سرمایه فرهنگی برای اولین بار توسط پیر بوردیو و مفهوم سرمایه اجتماعی توسط جیمز کلمن و پیر بوردیو طرح گردید. در این راستا، تحقیقات بسیاری جهت تعیین سهم طبقات و افراد مختلف از این سرمایه ها

انجام گرفته است. در عین حال، این مفاهیم توسط جامعه‌شناسان دیگر از جهت انواع و منابع آن گستره‌ای وسیع‌تر یافته‌اند. برخلاف این دو مفهوم، سرمایه اقتصادی تا حدود زیادی مفهوم روشن و قابل درک و لمس بوده و منابع مادی و مالی را شامل می‌شود. تحقیقات زیادی در خصوص عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی در جهان، علاوه بر سرمایه های فوق الذکر، انجام گرفته است که به طور خلاصه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

موفقیت تحصیلی افراد ارتباط نزدیکی با درآمد و نحوه زندگی آنها دارد (Battle and Lewis, 2002). بنابراین درک مکانیسم این مسأله و چگونگی تأثیر آن در موفقیت تحصیلی بسیار مهم به نظر می‌رسد. چندین حوزه موضوعی وجود دارد که به نتایج تحصیلی بیشتر و بهتر ارتباط دارد. عوامل مربوط به محیط مدرسه، نظیر اندازه مدرسه، همکلاسی‌ها، روابط بین معلم‌ها و دانش‌آموزان، نیز می‌تواند در نمره آزمون دانش‌آموزان موثر باشد (Crosnoce, Johnson and Eldor, 2004).

پیشینه خانوادگی از جمله عوامل مؤثر دیگر در نمره آزمون و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که موقعیت اقتصادی، اجتماعی، شغل والدین و اندازه خانواده از جمله عوامل مهم خانوادگی موثر در موفقیت و نمره آزمون تحصیلی است (Major Banks, 1996).

موقعیت اجتماعی و اقتصادی (SES) یک فرزند اغلب به وسیله ترکیبی از سطح آموزشی والدین، موقعیت شغلی و سطح درآمد والدین تعیین می‌شود (Jeynes, 2002). مطالعات متعدد نشان می‌دهند که موقعیت اقتصادی و اجتماعی در نتایج دانش‌آموزان موثر است (Baharudin and Luster, 1998; Jeynes, 2002; Eamon, 2005; Majori Banks, 1996;) (Hochschild, 2003; McMeal, 2001; Seyfried, 1998). دانش‌آموزانی که دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی پائینی بوده‌اند نمره آزمون پائین‌تری کسب کرده‌اند و بیشتر محتمل است که از مدرسه اخراج شوند (Hochschild, 2003; Eamon, 2005). محیط خانواده اولین عامل جامعه‌پذیری افراد است و درعلاقی و آرزوهای فرزندان تأثیرگذار می‌باشد و در آینده فرزندان نیز موثر می‌باشد. به نحوی که شرایط ساختاری خانواده دانش‌آموز نیز در موفقیت تحصیلی وی اثر دارد. اندازه کوچکتر خانواده با دستاوردهای تحصیلی بالاتر در رابطه است (Majori Banks, 1996; Eamon, 2005). دانش‌آموزانی که خواهر و برادر کمتری دارند، احتمال

زیادتری دارد که توجه بیشتری از سوی والدین به خود جلب نمایند. فرزندان از خانواده کوچکتر، در مقایسه با فرزندان که از خانواده‌هایی با بعد بالاتر هستند، شانس بیشتری برای دسترسی به منابع مورد نیاز دارند (Iacovou, 2001).

در پرتو حضور سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری در احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۸۰ در بین دانش آموزان پیش دانشگاهی استان خراسان جهت ورود به آموزش عالی داشته است (نوغانی ۱۳۸۲).

بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تغییرات اساسی در سیستم پذیرش دانشجو در کشور رخ داده است. هدف از این تغییرات و اصلاحات ایجاد شانس برابر برای همه داوطلبان، فارغ از عواملی از قبیل سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی، جنسیت و گستره جغرافیایی جهت ورود به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی بوده است. یک نتیجه اعمال سیاست فوق اعمال سهمیه بندی مناطق برای مناطق محروم و برداشتن محدودیت‌های جنسیتی ورود به دوره‌های آموزش عالی بوده است. در این مقاله تلاش بر این است که به سوال ذیل پاسخ داده شود:

آیا هنوز هم سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی خانواده‌ها با کنترل سایر عوامل در پذیرفته شدن دانش آموزان در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی موثر هستند یا خیر؟

مبانی نظری

وجه مشخصه در بررسی سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی افراد وجود یا عدم وجود این سرمایه‌ها در داخل خانواده و یا در محیط زندگی و باز تولید آنها از طریق فرزندان است.

در این مقاله، چارچوب نظری «سرمایه» از نظریه بوردیو گرفته شده است. از طریق مفهوم سرمایه می‌توان چگونگی توزیع فرصت‌های آموزشی را به صورت نظری تبیین کرد. مفهوم سرمایه در نظریه بوردیو سه بعد دارد:

۱- سرمایه اقتصادی، ۲- سرمایه فرهنگی، ۳- سرمایه اجتماعی. در اینجا به دو مورد اول می‌پردازیم: سرمایه اقتصادی: عبارت است از دارایی‌های تولیدی از قبیل پول و هر چیز مادی که می‌تواند در تولید کالا و خدمات به کار گرفته شود.

افراد با داشتن سرمایه اقتصادی می‌توانند کالاهای فرهنگی بیشتری را در اختیار داشته باشند و از امکانات تحصیلی و آموزشی بیشتری برخوردار شوند و از این طریق سرمایه فرهنگی خود را افزایش دهند. سرمایه اقتصادی در مقایسه با سرمایه فرهنگی و اجتماعی با سرعت بیشتری به سرمایه‌های دیگر تبدیل می‌شود.

سرمایه فرهنگی: گرایشها و عادات دیرپا که در طی فرایند جامعه پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیتهای تحصیلی و فرهنگی را شامل می‌شود. از جمله گرایشها و عادات می‌توان به مهارت‌های غیر رسمی بین اشخاص مانند سبک زندگی، وضعیت تحصیلی، سلیقه و زبان اشاره نمود. سرمایه فرهنگی در بین سرمایه‌ها پابرجاترین و ثابت‌ترین سرمایه است.

ویژگی بارز سرمایه فرهنگی بوردیو تحلیل سازوکار موفقیت‌های تحصیلی با توجه به میزان برخوردارگی گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند (دانش‌آموزان متعلق به خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیار دارند) بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالاتر تحصیلی راه یابند. بر این اساس، طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و لذا بیشتر قادر خواهند بود که این نوع سرمایه را در فرزندانشان به ودیعه بسپارند. با افزایش سرمایه فرهنگی در نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان افزایش می‌یابد.

بوردیو در تحلیل موفقیت‌های تحصیلی طبقات مختلف اجتماعی خاطر نشان می‌سازد که همگام با گسترش سریع آموزش عالی، سرمایه فرهنگی به عنوان یک نیروی جدید در موفقیت افراد وارد عمل می‌شود.

سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد:

۱- سرمایه فرهنگی درونی شده^۱، توانایی‌های بالقوه‌ای که به تدریج بخشی از وجود فرد شده‌اند و در او تثبیت گردیده‌اند.

۲- سرمایه فرهنگی عینی^۱، کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی مانند کتاب، نقاشی و آثار هنری.
 ۳- سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۲، صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی قرار می‌گیرند.

در این پژوهش، مفاهیم سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی را انتخاب کرده و ساختار منطقی چارچوب نظری را به صورت زیر فرمول‌بندی کرده‌ایم. با توجه به اینکه اطلاعاتی در خصوص سرمایه اجتماعی در دسترس نبوده است، چارچوب نظری تحقیق بدون در نظر گرفتن سرمایه اجتماعی بنا شده است.



فرضیات علمی

در اینجا بر اساس اصول روش شناختی زیر فرضیه سازی انجام شده است:

۱- فرضیات بر مبنای نظم قیاسی از چارچوب نظری استنتاج شده‌اند.

۲- در فرضیه سازی از منطق ابطال پذیری تبعیت شده است.

فرضیه اول سرمایه اقتصادی والدین در شانس قبولی دانش‌آموزان در آزمون سراسری موثر است. به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه اقتصادی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دستیابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه دوم سرمایه فرهنگی والدین در احتمال قبولی دانش‌آموزان در آزمون سراسری موثر است. به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دستیابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود.

روش تحقیق

در این بررسی، اطلاعات کلیه شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی در آزمون سراسری سال تحصیلی شامل سوابق تحصیلی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی داوطلبان

1. Objective
2. Institutionalized

سال ۱۳۸۵ که در سر جلسه آزمون در پاسخنامه امتحان توسط داوطلبان پاسخ داده شده است به عنوان جامعه آماری مورد بررسی و به صورت سرشماری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. با توجه به در دسترس بودن اطلاعات کلیه افراد جامعه آماری ضرورتی به بحث در خصوص نمونه‌گیری و روشهای مرتبط وجود ندارد. جامعه آماری عبارت است از اطلاعات کلیه شرکت کنندگان آزمون سراسری سال ۱۳۸۵ در گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی به تعداد ۳۲۹/۸۴۶ نفر که از بین این افراد تعداد ۵۲/۶۶۱ نفر داده گمشده و بقیه که حدود ۲۷۷/۱۸۵ نفر می‌باشد جهت تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. سازمان سنجش آموزش کشور علاوه بر اخذ اطلاعات شناسنامه‌ای و ساختن نمره‌های استاندارد معمولاً در آزمونهای سراسری نظرسنجی‌هایی در خصوص میزان رضایتمندی از خدمات سازمان انجام می‌دهد که در این نظرسنجی‌ها سوال‌هایی در خصوص وضعیت تحصیلی، شغل والدین، تعداد اعضاء خانواده (معد خانواده) و میزان درآمد ماهیانه خانواده پرسیده می‌شود. در این بررسی متغیرهای سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی از فرم‌های نظرسنجی و متغیرهای پیشینه تحصیلی و وضعیت قبولی از فایل آزمون به دست می‌آیند. متغیرهای مورد بررسی عبارتند از: قبولی یا مردودی (متغیر پاسخ یا وابسته)، سرمایه فرهنگی (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر)، سرمایه اقتصادی (شغل پدر، شغل مادر، میزان درآمد ماهیانه خانواده، تعداد اعضاء خانواده)، پیشینه تحصیلی (معدل دیپلم)، سهمیه و جنسیت داوطلبان.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس تعریف متغیرها و آزمونهای مورد هدف برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشها و آماره‌های توصیفی و استنباطی ذیل استفاده خواهد شد. روش مورد استفاده جهت پیش بینی احتمال قبولی یا ردی با توجه به عوامل فوق الذکر مدل‌بندی به روش رگرسیون لجستیک بوده است. رگرسیون لجستیک از خانواده مدل‌های خطی تعمیم یافته است که در آن توزیع متغیر پاسخ دو جمله‌ای می‌باشد.

۱- جداول طبقه‌بندی وضعیت موجود و پیش بینی شده توسط مدل

(Classification Table)

۲- ضریب R^2 Nagekerk's که مشابه R^2 در رگرسیون تعمیم یافته

است. $Snell CoxR^2$

- ۳- $-2 \log \text{Likelihood}$ که Scaled deviance نیز نامیده می‌شود.
- ۴- Wald Test که مشابه T-Test در رگرسیون خطی می‌باشد.
- ۵- آزمون نیکویی برازش Hosmer-Lemeshow که جهت برازش کلی مدل به کار می‌رود.

- ۶- در تفسیر مدل رگرسیون لجستیک تاکید تفسیر بر اساس احتمال خواهد بود.
- ۷- آماره مربع خی دو که جهت آزمون وجود رابطه بین دو متغیر در جداول توافقی به کار می‌رود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و تفسیر مدل رگرسیون لجستیک برازش شده به صورت ذیل صورت می‌گیرد.

الف - آمارهای توصیفی متغیرها

- ۱- قبولی و عدم قبولی (متغیر وابسته): کل جامعه عبارت از ۳۲۹/۸۴۶ نفر است که قبول شدگان نهایی، تعداد ۱۱۰/۱۵۵ نفر می‌باشند.
- ۲- جنس (متغیر مستقل): ۱۴۷۸۳۶ (۴۴/۸٪) زن و ۱۸۲۰۱۰ (۵۵/۲٪) مرد.
- ۳- پیشینه تحصیلی (معدل دیپلم) که یک متغیر پیوسته است. توضیح اینکه میانگین معدل شرکت کنندگان، مردودین و قبولین به ترتیب عبارت است از ۱۴/۱۶، ۱۳/۶۲، ۱۵/۶۹.
- ۴- تحصیلات پدر: که به چهار طبقه عالی، متوسطه، ابتدایی و بی‌سواد تقسیم شده‌اند و توزیع پاسخ‌ها به ترتیب برابر ۲۲/۴، ۳۵/۱، ۲۵/۸ و ۸/۳ درصد بوده است.
- تحصیلات مادر نیز مشابه تحصیلات پدر به چهار طبقه عالی، متوسطه، ابتدایی و بی‌سواد تقسیم شده‌اند و توزیع پاسخ‌ها برای چهار طبقه به ترتیب برابر ۱۱/۵، ۳۹/۵، ۳۴/۷ و ۱۴/۳ درصد می‌باشد.

جدول‌های شماره ۱ و ۲ ارتباط بین تحصیلات پدر و مادر را با وضعیت قبولی نشان می‌دهند. آماره مربع خی دو ($\chi^2 = 5571$) محاسبه شده نشان دهنده وابستگی بین تحصیلات پدر و مادر با وضعیت قبولی در سطح معنی داری (۰/۰۰۰) است.

جدول شماره ۱: جدول دو طرفه وضعیت قبولی و تحصیلات پدر

| تحصیلات پدر | | وضعیت قبولی | | کل |
|-------------|-------|-------------|--------|--------|
| | | مردود | قبول | |
| عالی | تعداد | ۴۱۵۴۴ | ۳۲۴۲۵ | ۷۳۹۶۹ |
| | درصد | ٪۵۶/۲ | ٪۴۳/۸ | |
| متوسطه | تعداد | ۷۶۳۵۱ | ۳۹۳۲۴ | ۱۱۵۶۷۵ |
| | درصد | ٪۶۶ | ٪۳۴ | |
| ابتدایی | تعداد | ۶۱۰۰۱ | ۲۴۱۶۷ | ۸۵۱۶۸ |
| | درصد | ٪۷۱/۶ | ٪۲۸/۴ | |
| بی سواد | تعداد | ۲۰۸۱۴ | ۶۶۴۲ | ۲۷۴۵۶ |
| | درصد | ٪۷۵/۸ | ٪۲۴/۲ | |
| کل | تعداد | ۱۹۹۷۱۰ | ۱۰۲۵۵۸ | ۳۰۲۲۶۸ |
| | درصد | ٪۶۶/۱ | ٪۳۳/۹ | |

$$\chi^2 = 5571.(0.000)$$

جدول شماره ۲: جدول دو طرفه وضعیت قبولی و تحصیلات مادر

| تحصیلات مادر | | وضعیت قبولی | | کل |
|--------------|-------|-------------|--------|--------|
| | | مردود | قبول | |
| عالی | تعداد | ۱۸۳۲۳ | ۱۶۵۲۰ | ۳۴۸۴۳ |
| | درصد | ٪۵۲/۶ | ٪۴۷/۴ | |
| متوسطه | تعداد | ۷۶۰۰۳ | ۴۳۷۹۸ | ۱۱۹۸۰۱ |
| | درصد | ٪۶۳/۴ | ٪۳۶/۶ | |
| ابتدایی | تعداد | ۷۳۴۰۱ | ۳۱۷۹۹ | ۱۰۵۲۰۰ |
| | درصد | ٪۶۹/۸ | ٪۳۰/۲ | |
| بی سواد | تعداد | ۳۲۵۰۱ | ۱۰۶۹۷ | ۴۳۱۹۸ |
| | درصد | ٪۷۵/۲ | ٪۲۴/۸ | |
| کل | تعداد | ۲۰۰۲۲۸ | ۱۰۲۸۱۴ | ۳۰۳۰۴۲ |
| | درصد | ٪۶۶/۱ | ٪۳۳/۹ | |

$$\chi^2 = 5457.(0.000)$$

۵- شغل پدر و مادر: پاسخ‌های شغل پدر به چهار طبقه فرهنگی (استاد دانشگاه، دبیر و آموزگار)، آزاد، کارمند و سایر موارد و شغل مادر به چهار طبقه فرهنگی (استاد دانشگاه، دبیر و آموزگار)، آزاد، کارمند و خانه‌دار تقسیم شده‌اند. توزیع درصد پاسخ‌ها

برای شغل پدر برای چهار طبقه به ترتیب عبارتند از ۱۰/۶، ۳۷/۸، ۳۱ و ۲۰/۵ درصد و برای شغل مادر به ترتیب عبارتند از ۹/۵، ۲/۲، ۴/۳ و ۸۳/۹ درصد. در ادامه جدول‌های شماره ۳ و ۴ نشان دهنده جدول دوطرفه شغل پدر و مادر با وضعیت قبولی می‌باشند. بر اساس آماره مربع خی دو ($\chi^2 = 2372$) محاسبه شده بین شغل پدر و مادر با وضعیت قبولی در آزمون سراسری، ارتباط معنی دار وجود دارد ($p = 0 / 000$).

جدول شماره ۳: جدول دو طرفه وضعیت قبولی و شغل پدر

| شغل پدر | | وضعیت قبولی | | کل |
|--------------|-------|-------------|--------|--------|
| | | مردود | قبول | |
| استاد - دبیر | تعداد | ۱۸۱۱۵ | ۱۳۶۶۲ | ۳۲۰۳۰ |
| | درصد | ٪۵۶/۶ | ٪۴۷/۵ | |
| آزاد | تعداد | ۷۷۴۳۱ | ۲۰۵۳ | ۱۱۳۷۹۷ |
| | درصد | ٪۶۸ | ٪۳۰/۴ | |
| کارمند | تعداد | ۵۹۲۸۶ | ۵۲۰۶ | ۹۳۱۶۶ |
| | درصد | ٪۶۳/۶ | ٪۳۹/۶ | |
| سایر | تعداد | ۴۳۷۹۵ | ۸۱۷۷۲ | ۶۱۷۹۲ |
| | درصد | ٪۷۰/۹ | ٪۳۲/۲ | |
| کل | تعداد | ۱۹۸۶۲۷ | ۱۰۲۶۹۳ | ۳۰۰۷۸۵ |
| | درصد | ٪۶۶ | ٪۳۳/۹ | |

$$\chi^2 = 2372.(0.000)$$

جدول شماره ۴: جدول دو طرفه وضعیت قبولی و شغل مادر

| شغل مادر | | وضعیت قبولی | | کل |
|--------------|-------|-------------|--------|--------|
| | | مردود | قبول | |
| استاد - دبیر | تعداد | ۱۵۰۸۶ | ۱۳۶۶۲ | ۲۸۷۴۸ |
| | درصد | ٪۵۲/۵ | ٪۴۷/۵ | |
| آزاد | تعداد | ۴۶۹۹ | ۲۰۵۳ | ۶۷۵۲ |
| | درصد | ٪۶۹/۶ | ٪۳۰/۴ | |
| کارمند | تعداد | ۷۹۳۴ | ۵۲۰۶ | ۱۳۱۴۰ |
| | درصد | ٪۶۰/۴ | ٪۳۹/۶ | |
| سایر | تعداد | ۱۷۲۲۹۸ | ۸۱۷۷۲ | ۲۵۴۰۷۰ |
| | درصد | ٪۶۷/۸ | ٪۳۲/۲ | |
| کل | تعداد | ۲۰۰۰۱۷ | ۱۰۲۶۹۳ | ۳۰۲۷۱۰ |
| | درصد | ٪۶۶/۱ | ٪۳۳/۹ | |

$$\chi^2 = 2942.(0.000)$$

۶- تعداد اعضای خانواده: با توجه به تعداد اعضای خانواده از مجموع داوطلبان ۲۳/۳ درصد دارای ۳ عضو، ۲۶/۷ درصد دارای ۵ عضو، ۲۱/۵ درصد دارای ۶ عضو و ۲۸/۵ درصد دارای ۷ عضو و یا بیشتر بوده‌اند. جدول شماره ۵ نشان دهنده رابطه دو طرفه بین دو متغیر تعداد اعضای خانواده و وضعیت قبولی دانش آموزان است و همان طور که ملاحظه می شود بین این دو متغیر در سطح (0.000) پطله معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۵: جدول دو طرفه وضعیت قبولی و تعداد اعضاء خانواده

| تعداد اعضا خانواده | | وضعیت قبولی | | کل |
|--------------------|-------|-------------|--------|--------|
| | | مردود | قبول | |
| ۴ و کمتر | تعداد | ۴۳۷۷۹ | ۲۶۸۵۳ | ۷۰۶۲۹ |
| | درصد | ٪۶۲ | ٪۳۸ | |
| ۵ نفر | تعداد | ۵۰۹۸۵ | ۳۰۰۹۳ | ۸۱۰۷۸ |
| | درصد | ٪۶۲/۹ | ٪۳۷/۱ | |
| ۶ نفر | تعداد | ۴۳۶۰۷ | ۲۱۵۶۸ | ۶۵۱۷۵ |
| | درصد | ٪۶۶/۹ | ٪۳۳/۱ | |
| ۷ و بیشتر | تعداد | ۶۱۹۴۹ | ۲۴۴۲۱ | ۸۶۳۷۰ |
| | درصد | ٪۷۱/۷ | ٪۲۸/۳ | |
| کل | تعداد | ۲۰۰۳۱۷ | ۱۰۲۹۳۵ | ۳۰۳۲۵۲ |
| | درصد | ٪۶۶/۱ | ٪۳۳/۹ | |

$$X^2 = 2146.218, p = . / \dots$$

۷- درآمد خانواده: در پاسخ به این سوال که درآمد ماهیانه خانواده شما به طور متوسط چقدر است، ۱۹/۸ درصد اظهار کرده‌اند که کمتر از ۱۵۰ هزار تومان، ۳۲/۲ درصد بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان عنوان کرده‌اند، ۲۸/۵ درصد درآمد ماهیانه خانواده خود را بین ۲۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار تومان دانسته‌اند و ۱۹/۶ درصد بیش از ۳۰۰ هزار تومان ذکر کرده‌اند. همان طوری که از جدول شماره ۶ ملاحظه می شود، بین درآمد خانواده و وضعیت قبولی در آزمون سراسری ارتباط معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۶: جدول دو طرفه وضعیت قبولی و درآمد خانواده

| درآمد ماهیانه خانواده (هزار تومان) | | وضعیت قبولی | | کل |
|------------------------------------|-------|-------------|--------|--------|
| | | مردود | قبول | |
| کمتر از ۱۵۰ | تعداد | ۴۳۸۳۴ | ۱۵۳۰۹ | ۵۹۱۴۳ |
| | درصد | ٪۷۴/۱ | ٪۲۵/۹ | |
| بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ | تعداد | ۶۶۳۱۷ | ۲۹۷۴۵ | ۹۶۰۶۲ |
| | درصد | ٪۶۹ | ٪۳۱ | |
| بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ | تعداد | ۵۳۱۲۴ | ۳۱۸۸۴ | ۸۵۰۰۸ |
| | درصد | ٪۶۲/۵ | ٪۳۷/۵ | |
| بیش از ۳۰۰ | تعداد | ۳۴۴۱۹ | ۲۴۰۵۹ | ۵۸۴۷۸ |
| | درصد | ٪۵۸/۹ | ٪۴۱/۱ | |
| کل | تعداد | ۱۹۷۶۹۴ | ۱۰۰۹۹۷ | ۲۹۸۶۹۱ |
| | درصد | ٪۶۶/۲ | ٪۳۳/۸ | |

$$X^2 = 3931$$

جدول شماره ۷: جدول دو طرفه وضعیت قبولی و سهمیه دانش آموزان

| سهمیه | | وضعیت قبولی | | کل |
|-----------|-------|-------------|--------|--------|
| | | مردود | قبول | |
| منطقه یک | تعداد | ۶۸۹۰۶ | ۴۱۹۰۷ | ۱۱۰۸۱۳ |
| | درصد | ٪۶۲/۲ | ٪۳۷/۸ | |
| منطقه دو | تعداد | ۱۰۱۸۲۹ | ۴۹۵۷۰ | ۱۵۱۳۹۹ |
| | درصد | ٪۶۷/۳ | ٪۳۲/۷ | |
| منطقه سه | تعداد | ۴۶۱۸۸ | ۱۷۲۹۷ | ۶۳۴۸۵ |
| | درصد | ٪۷۲/۸ | ٪۲۷/۲ | |
| ایثارگران | تعداد | ۲۷۶۸ | ۱۳۸۱ | ۴۱۴۹ |
| | درصد | ٪۶۶/۷ | ٪۳۳/۳ | |
| کل | تعداد | ۲۱۹۶۹۱ | ۱۱۰۱۵۵ | ۳۲۹۸۴۶ |
| | درصد | ٪۶۶/۶ | ٪۳۳/۴ | |

$$X^2 = 2082.4$$

۸- سهمیه: در آزمون سراسری سال ۱۳۸۵ درصدهای شرکت کننده سهمیه‌های منطقه یک، دو، سه و ایثارگران به ترتیب ۳۳/۶، ۴۵/۹، ۱۹/۲ و ۱/۳ بودند. همان طوری که از جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود، بین سهمیه و وضعیت قبولی در سطح معنی داری (0.000) رابطه وجود دارد.

ب- تجزیه و تحلیل و تفسیر مدل رگرسیون لجستیک برازش شده

در این مقاله جهت آزمون مدل برازش شده از تست‌های $2\log$ likelihood و Hosmer- Lemeshow جهت آزمون معنی داری کل مدل استفاده شده است. همان طوری که در ضمیمه شماره ۱ ملاحظه می‌شود مقادیر دو آماره فوق به ترتیب برابر ۳۰۳۸۴۰ و $۹۲/۸۸$ است که هر دو آزمون نشان دهنده معنی دار بودن مدل برازش شده در سطح $۹۹/۹۹\%$ می‌باشد. علاوه بر این، نتایج به دست آمده از مدل نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه فرهنگی، اقتصادی، جنس، معدل و سهمیه در مجموع $۷۲/۱$ درصد از احتمال قبولی را در آزمون سراسری ۸۵ در گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی پیش بینی می‌کنند. ذکر این نکته ضروری است که در برازش مدل از روش Forward استفاده شده است و مدل برازش شده در ضمیمه یک تحت عنوان متغیرهای داخل مدل آمده است.

به طور کلی، در تفسیر مدل‌های رگرسیون لجستیک سه روش یا نقطه نظر وجود دارد که عبارتند از تفسیر مدل با استفاده از (۱) احتمال‌های پیش بینی شده، (۲) نسبت بختها یا شانس، (۳) لوجیت. در این مقاله چون بحث اصلی افزایش یا کاهش شانس قبولی داوطلبان با توجه به متغیرهای مدل برازش شده است لذا تفسیر مدل هم بر اساس نسبت بختها خواهد بود. در برازش مدل آخرین طبقه به عنوان طبقه مرجع در نظر گرفته شده و، همان طوری که اشاره شد، تفسیر بر اساس نسبت بختها یا $Exp(\beta)$ خواهد بود.

اولین متغیر وارد شده در مدل جنسیت می‌باشد و مقدار نسبت بخت قبولی زنان نسبت به مردان برابر $۰/۹۱۲$ است. این مقدار به این معنی است که شانس قبولی زنان نسبت به مردان در گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی $۰/۰۸۶$ کمتر از مردان است. با توجه به پاسخ‌های ارائه شده به سؤال میزان تحصیلات پدر بر نتایج جدول رگرسیونی نشان می‌دهد داوطلبانی که تحصیلات پدر بی‌سواد بوده به طور خودکار به عنوان طبقه مرجع در نظر گرفته شده است و طبقات عالی، متوسطه و ابتدایی با این طبقه مورد مقایسه قرار گرفته است. بر اساس نتایج جدول، دانش‌آموزانی که پدرشان تحصیلاتی از سطح عالی برخوردار بوده‌اند در مقایسه با دانش‌آموزانی که سطح تحصیلات پدرشان بی‌سواد بوده است، از شانس بیشتری برای قبولی در کنکور برخوردار بوده‌اند، به نحوی که شانس قبولی این گروه در مقایسه با گروه مرجع در حدود $۱/۱۹۱$ می‌باشد. این میزان برای دانش‌آموزانی که پدرشان تحصیلاتی

در حد متوسطه داشته‌اند، در مقایسه با گروه مرجع هم بیشتر می‌شود شانس قبولی این گروه نسبت به گروه مرجع برابر $1/095$ است. برای کسانی که سطح تحصیلات پدرشان ابتدایی بوده شانس قبولی در مقایسه با گروه مرجع $0/057$ بیشتر است. نتایج ارائه شده با استفاده از آزمون wald از سطح معنی‌داری قابل قبولی برخوردار است. تحلیل روند کلی نتایج تحصیلات پدر و قبولی در کنکور نشان می‌دهد که هر چه پدر تحصیلات پدر دانش‌آموز افزایش پیدا می‌کند، احتمال قبولی در کنکور هم افزایش پیدا می‌کند.

متغیر بعدی که وارد جدول تحلیل رگرسیونی گردیده است، تحصیلات مادر دانش‌آموز می‌باشد. دانش‌آموزان داوطلب در کنکور که مادرشان تحصیلاتی در حد عالی داشته‌اند نسبت به دانش‌آموزانی که مادرشان بی‌سواد بوده‌اند (طبقه مرجع) از شانس بیشتری برای قبولی در کنکور برخوردارند. این میزان حدود $0/097$ می‌باشد. این روند افزایش شانس قبولی برای دانش‌آموزانی که مادرشان از سطح تحصیلاتی متوسطه برخوردارند یا ابتدایی هستند، باز هم افزایش پیدا می‌کند و نتایج به دست آمده در سطح معنی‌داری (0.000) قابل قبول است و مثل متغیر تحصیلات پدر رابطه معنی‌داری بین افزایش تحصیلات مادر و افزایش شانس قبولی در کنکور وجود دارد.

متغیر دیگر که وارد مدل رگرسیونی گردیده است، شغل پدر شرکت‌کننده در کنکور می‌باشد. در این متغیر شغل سایر (به غیر از سه نوع شغل ذکر شده) به عنوان طبقه مرجع در نظر گرفته شده است و طبقات دیگر با این طبقه مورد مقایسه قرار گرفته است.

دانش‌آموزانی که شغل پدرشان استاد، دبیر و آموزگار بوده است، از شانس قبولی بیشتری نسبت به طبقه مرجع برخوردار بوده‌اند. این میزان در حدود $0/134$ می‌باشد. دانش‌آموزانی که شغل پدرشان آزاد بوده است، شانس قبولی در کنکور در مقایسه با طبقه مرجع بیشتر بوده است و در حد $0/024$ بیشتر بوده است. دانش‌آموزانی که در پاسخ به سؤال شغل پدر گزینه کارمند را انتخاب نموده‌اند، شانس بیشتری برای قبولی در کنکور در مقایسه با طبقه مرجع برخوردار است، در حالی که این میزان شانس نسبت به طبقه شغلی قبلی بیشتر است و حدود $0/035$ بیشتر از طبقه مرجع می‌باشد.

متغیر بعدی شغل مادر می‌باشد. با توجه به نتایج جدول رگرسیونی همچون متغیر قبلی گزینه خانه دار به عنوان طبقه مرجع در نظر گرفته شده است و مشاغل دیگر با این

طبقه مورد مقایسه قرار گرفته است. دانش‌آموزانی که مادرشان دارای شغل فرهنگی، استاد و دبیر بوده‌اند، نسبت به طبقه مرجع از شانس قبولی بیشتری برای قبولی در کنکور برخوردارند. این میزان در حدود ۰/۱۵۴ می‌باشد. دانش‌آموزانی که شغل مادرشان آزاد بوده است، در مقایسه با طبقه مرجع شانس قبولی کمتری در کنکور دارند. این میزان در حدود ۰/۰۱۷ می‌باشد. داوطلبانی که شغل مادرشان را کارمند انتخاب کرده‌اند، شانس قبولی در کنکور برای آنها کمتر از طبقه مرجع است و در حدود ۰/۰۲ می‌باشد. تحلیل روند کلی نتایج جدول در ارتباط با شغل مادر و میزان موفقیت در کنکور نشان می‌دهد شانس قبولی برای داوطلبان با توجه به شغل مادرشان ابتدا برای گروه استاد، دبیر و آموزگاری بیشتر از همه است. سپس کسانی که شغل مادر آنها خانه‌دار بوده از وضعیت مناسب‌تری برخوردارند. سپس کسانی که در ارتباط با شغل مادرشان گزینه کارمند را انتخاب کرده‌اند و نهایتاً دانش‌آموزانی که اعلام نموده‌اند شغل مادرشان آزاد می‌باشد، شانس کمتری برای موفقیت در کنکور نسبت به طبقه مرجع داشته‌اند.

متغیر بعدی وارد شده در مدل رگرسیونی تعداد اعضای خانواده است. آخرین طبقه که همان طبقه مرجع می‌باشد، داوطلبانی بوده‌اند که تعداد اعضای خانواده خود را ۷ و بیشتر اعلام کرده بودند. در مقایسه با این طبقه دانش‌آموزانی که تعداد اعضای خانواده خود را ۴ و کمتر اعلام کرده‌اند از شانس قبولی بیشتری در حدود ۰/۰۵۵ برخوردار بوده‌اند. دانش‌آموزانی که تعداد اعضای خانواده خود را ۵ نفر اعلام کرده‌اند از شانس قبولی بیشتری نسبت به طبقه مرجع برخوردارند که در حدود ۰/۰۷۶ می‌باشد و نهایتاً دانش‌آموزانی که تعداد اعضای خانواده خود را ۶ نفر اعلام کرده‌اند باز هم نسبت به طبقه مرجع شانس کمتری برای قبولی در کنکور دارند و این میزان در حدود ۰/۰۲۲ می‌باشد. روند کلی نشان‌دهنده کاهش میزان شانس قبولی در کنکور با توجه به افزایش تعداد اعضای خانواده است. اگر چه این روند بسیار آهسته و جزئی است. به واسطه سطح معنی‌داری قابل قبولی برخوردارند.

متغیر بعدی در مدل میزان درآمد ماهیانه خانواده دانش‌آموز بوده است. در این متغیر سطح درآمد ماهیانه بیشتر از ۳۰۰ هزار تومان به عنوان گروه مرجع در نظر گرفته شده است. سطوح درآمدی دیگر کمتر از این مبلغ است. دانش‌آموزانی که سطح درآمد ماهیانه

خانواده خود را بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان اعلام کرده‌اند، از شانس قبولی کمتری نسبت به گروه مرجع برخوردارند. این میزان در حدود ۰/۲ می‌باشد. دانش‌آموزانی که سطح درآمد ماهیانه خانوادگی ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بوده شانس موفقیت کمتری در حدود ۰/۱۵ نسبت به گروه مرجع دارند. دانش‌آموزانی که درآمد ماهیانه خانواده آنها بین ۲۰۰ و ۳۰۰ هزار تومان می‌باشد، میزان احتمال موفقیت در کنکور در حدود ۰/۰۰۱ کمتر از گروه مرجع می‌باشد. این نتایج در سطح معنی‌داری ۳ صفر قابل قبول است. تحلیل روند کلی درآمد و شانس قبولی در کنکور نشان می‌دهد که با افزایش سطح درآمد خانواده شانس قبولی در کنکور هم افزایش می‌یابد.

آخرین متغیر وارد شده در مدل سهمیه داوطلبان می‌باشد و طبقه مرجع سهمیه ایثارگران در نظر گرفته شده است. داوطلبان مناطق یک، دو و سه به ترتیب شانس قبولی کمتری نسبت به طبقه مرجع دارند و این شانس عبارتند از ۰/۲۱، ۰/۲۲ و ۰/۲۵ میزان افزایش شانس برای داوطلبانی که معدل دارند برابر ۱/۴۵۷ است و ضریب ثابت منفی نشان دهنده شانس اولیه برای همه داوطلبان طبق تعریف رگرسیون لجستیک می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج در سه بخش ذیل قابل مشاهده است.

الف - نتایج مستقیم از تجزیه و تحلیل داده‌ها

ب - نتایج تحلیلی

ج - نتایج کاربردی

الف - نتایج مستقیم از تجزیه و تحلیل داده‌ها

- * مردان نسبت به زنان از شانس قبولی بیشتری در گروه ریاضی و فنی برخوردارند.
- * بین تحصیلات پدر و احتمال قبولی در کنکور رابطه وجود دارد، به نحوی که با افزایش سطح تحصیلات پدر بر میزان احتمال قبولی فرزندان در کنکور هم افزوده می‌شود.
- * بین تحصیلات مادر و احتمال قبولی در کنکور رابطه وجود دارد، به نحوی که با افزایش سطح تحصیلات مادر بر میزان احتمال قبولی فرزندان در کنکور هم افزوده می‌شود.

* بین شغل پدر و مادر با احتمال قبولی فرزندان در کنکور رابطه وجود دارد و دانش‌آموزانی که شغل پدر و مادر آنها فرهنگی است از شانس قبولی بیشتری نسبت به سایر شغل‌ها برخوردار می‌شوند

* بین تعداد اعضای خانواده و احتمال قبولی در کنکور رابطه وجود دارد. به نحوی که با افزایش تعداد اعضای خانواده احتمال قبولی در کنکور کاهش می‌یابد.

* بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و احتمال قبولی در کنکور رابطه وجود دارد. به نحوی که با افزایش میزان درآمد ماهیانه خانواده احتمال قبولی در کنکور افزایش می‌یابد. این افزایش در مورد رابطه درآمد و احتمال قبولی در کنکور از سرعت بیشتری نسبت به تعداد اعضای خانواده و احتمال قبولی در کنکور برخوردار است.

نکته قابل توجه اینکه شانس قبولی داوطلبانی که مادر آنها کارمند بوده یا شغل آزاد دارند نسبت به داوطلبانی که مادرانشان خانه‌دارند کمتر است.

* بین سهمیه دانش‌آموزان و شانس قبولی رابطه وجود دارد و داوطلبان مناطق یک، دو و سه شانس قبولی کمتری نسبت به ایتارگران دارند.

* سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده به‌علاوه پیشینه تحصیلی داوطلبان قدرت پیش‌بینی ۷۲٪ احتمال قبولی را در آزمون سراسری دارد. به عبارت دیگر، با احتمال ۰,۷۲ می‌توان بدون آزمون و با استفاده از متغیرهای تحقیق احتمال قبولی داوطلبان را پیش‌بینی نمود.

ب- نتایج تحلیلی

یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سرمایه بالای فرهنگی والدین (تحصیلات پدر و مادر) باعث افزایش احتمال قبولی در ورود به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی می‌شود که با نظریه بورديو مبنی بر اینکه "دانش‌آموزان با سرمایه فرهنگی بالاتر در رسیدن به موفقیت‌های آموزشی شانس بیشتری دارند" مطابقت دارد. از طرف دیگر، همان‌طوری که ملاحظه گردید سرمایه‌های اقتصادی (شغل پدر و مادر و درآمد خانوار و تعداد اعضای خانواده) حسب مورد باعث افزایش شانس قبولی تا ۲۰ درصد دانش‌آموزان نسبت به طبقات دیگر می‌شود. نکته مهمی که باید توجه داشت این است که توزیع نابرابر سرمایه در اشکال فرهنگی و اقتصادی باعث عدم رعایت عدالت آموزشی از منظر شانس قبولی در آزمون سراسری می‌شود. از یافته

های دیگر این پژوهش تاثیر سهمیه بندی و جنسیت در افزایش شانس ورود داوطلبان به دانشگاهها دارد و همان طوری که ملاحظه گردید داوطلبان مناطق یک و دو و سه نسبت به طبقه مرجع شانس قبولی کمتری دارند. با توجه به مطالب بالا می توان گفت که نظریه مبتنی بر موفقیت بر مبنای استعداد تحصیلی با توجه به قید و بندهای قانونی آزمون سراسری (از قبیل سهمیه ها و بومی و...) و تاثیر سرمایه های اقتصادی و فرهنگی الزاما تنها عامل ورود به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی نیست.

ج- نتایج کاربردی

این بررسی نشان داده است که با افزایش سرمایه های اقتصادی، فرهنگی و پیشینه تحصیلی شانس قبولی داوطلبان جهت ورود به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی افزایش پیدا می کند و این امر دور از انتظار نیست و در اکثر تحقیق ها و بررسیهای انجام شده در اکثر کشورهای دنیا این مساله به اثبات رسیده است، اما در این تحقیق چهار نکته مهم قابل تامل است.

نکته اول، کاهش شانس قبولی زنان نسبت به مردان با حدود ۱۰٪ در داده های مورد بررسی است. به نظر می رسد چون تحقیق فقط در گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی انجام گرفته و سایر گروه های آزمایشی مورد بررسی قرار نگرفته این مساله ناشی از این امر باشد. به هر حال، این مساله جای بررسی بیشتر دارد. نکته دوم، با افزایش سرمایه های فرهنگی، اقتصادی، افزایش شانس قبولی قابل ملاحظه است که بعضاً تا ۲۰٪ هم می رسد. دارا بودن شانس ۲۰ درصد بیشتر با توجه به محدودیت ظرفیت در رشته های مطلوب و پرمقتضای باعث ایجاد شکاف در ادامه تحصیل طبقات با سرمایه های بیشتر نسبت به طبقات با سرمایه های کمتر خواهد بود. به نظر می رسد خانواده های دارای سرمایه های فرهنگی، اقتصادی بالا با استفاده از کلاسهای خصوصی، کنکور، کنترل ها و ... باعث افزایش شانس قبولی داوطلبان می شوند.

با در نظر گرفتن درصد پوشش بیش از ۹۰ درصد برای مدارس دولتی در سطح کشور به نظر بررسی سطح آموزش و کیفیت آموزشهای ارائه شده جای تامل جدی دارد. نکته سوم، داوطلبانی که شغل مادرشان کارمند یا آزاد است شانس قبولی کمتری نسبت به داوطلبانی که شغل مادر آنها خانه دار است دارند و این کاهش خیلی قابل ملاحظه است و

بر اساس نتایج حدود ۲۰٪ است که نشان می‌دهد بحث اشتغال زنان در مقوله‌های غیر فرهنگی باعث کاهش شانس داوطلبان می‌شودنکته آخر اینکه، داوطلبان سهمیه‌های مناطق شانس قبولی تا حدود ۲۸ درصد کمتر نسبت به سهمیه‌های مصوب قانونی دارند. با توجه به گذشت بیش از ۳۰ سال بایستی این سهمیه‌ها مجدداً مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرند. از طرف دیگر، با توجه به اینکه اختلاف شانس قبولی در داخل سهمیه مناطق (منطقه ۱، منطقه ۲، منطقه ۳) بالا نیست (حداکثر ۰.۵٪)، اعمال سهمیه‌های مناطق که به منظور کمک به مناطق و اقشار آسیب‌پذیر وضع شده بود نمی‌تواند تاثیر بسزایی بگذارند و همان طوری که در اکثر دنیا عمل می‌شود این نقیصه از طریق بالا بردن سرمایه‌های مرتبط انجام می‌گیرد نه از طریق اعمال سهمیه.



منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۸۲): جامعه شناسی نظم، نشر نی، تهران.
- سمیعی، زهره (۱۳۷۹): «تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده بر روی موفقیت‌های تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۲)، «تأثیر نابرابری سرمایه‌های فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دست یابی به آموزش عالی»، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۹۱.
- Hargrave L. Catherine. ,2000, A Study to derermine the role between student academic outcome and parental socioeconomic status The Graduate School University of Wisconsin – Stout Menomonie, WI 54751.
- Barry . Jennifer. , 2005, The effect of socio-economic status on academic achievement. Bachelor of Arts, Wichita State University.
- Marks. N Gary. McMillan Julie. Jones L Frank. Ainley John , 2000, The Measurement of Socioeconomic Status for the Reporting of Nationally Comparable Outcomes of Schooling, Australian Council for Educational Research Sociology Program Research School of Social Sciences Australian National University.
- Bankston L. Carl, 2004, Social Capital, Cultural Values, Immigration, and Academic Achievement: The Host Country Context and Contradictory Consequences Sociology of Education, Vol. 77, No. 2. pp. 176-179.
- Iacovou . Maria, 2001, Family composition and childrn's educational outcomes. Institute for Social and Economic Research Essex University.
- Brasington David , Haurin R. Donald, 2006, Educational outcomes and house values: A test of the value added approach* JOURNAL OF REGIONAL SCIENCE, VOL. 46, No. 2, pp. 245–268.
- Ginther k Donna, Pollak A. 2004, Robert .Family Structure and Children's Educational Outcomes: Blended Families, Stylized Facts, and Descriptive Regressions. Department of Economics University of Kansas.
- Battle, Juan. and Michael Lewis. 2002. The increasing significance of class: The relative effects of race and socioeconomic status on academic achievement. Journal of Poverty, 6(2), 21-35.
- Crosnoe, Robert, Monica Kirkpatrick Johnson, and Glen. H. Elder Jr. 2004. Intergenerational bonding in school: The behavioral and contextual correlates of student-teacher relationships. Sociology of Education, 77(1), 60-81.
- Eamon, Mary. Keegan. 2005. Social-demographic, school, neighborhood, and parenting influences on academic achievement of Latino young adolescents. Journal of Youth and Adolescenc, 34(2), 163-175.
- Majoribanks, Kevin. 1996. Family Learning Environments ans Students' Outcomes: A Review. Journal of Comparitive Family Studies 27(2), 373-394.
- McNeal, Ralph B. 2001. Differential effects of p arental involvement on cognitive and behavioral outcomes b y socioeconomic status. Journal os Socio-Economics 30(2), 171.
- Jeynes, William H. 2002. Examining the effects of parental absence on the academic achievement of adolescents: the challenge of controlling for family income. Journal of Family and Economic Issues 23(2).
- Hochschild, Jennifer L. 2003. Social Class in Public Schools. Journal of Social Issues 59(4), 821-840.